

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۰

(صص ۱۵۳-۱۳۵)

مصطفی محمدی *

کارشناس ارشد روابط بین الملل

دانشگاه اصفهان

دکتر شهروز ابراهیمی **

استادیار روابط بین الملل

دانشگاه اصفهان

روابط هسته ای پاکستان و آمریکا از ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۰

چکیده

پاکستان در رقابت با هند و با هدف ایجاد نیرویی بازدارنده در برابر این کشور سرانجام در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش هسته‌ای زد و عملاً به جرگه کشورهای هسته‌ای جهان پیوست. ایالات متحده آمریکا علی‌رغم نگرانی از این موضوع، تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از اتمی شدن پاکستان احساس تهدید چندانی نمی‌کرد. ولی واقعه مذکور که بنیان آن در افغانستان ماوا داشتند، آمریکا را به شدت هراسناک کرد. از سویی دیگر تشدید قدرت اسلام‌گرایان در داخل پاکستان مسئله امنیت انرژی هسته‌ای پاکستان را رفته رفته به یکی از مسائل اصلی پیش روی غرب قرار داد.

در طول تمامی سال‌های پس از استقلال، پاکستان و آمریکا از روابطی نزدیک و دوستانه برخوردار بوده‌اند. این روابط در بحران‌های منطقه‌ای، نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرده است. به‌رغم فراز و نشیب‌های روابط میان دو کشور، پاکستان همیشه آمریکا را حامی خود در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق و هند دانسته و در مقابل ایالات متحده نیز به پاکستان همچون مانعی در برابر نفوذ کمونیسم و شوروی در دوران جنگ سرد می‌نگریسته

* Email: ma.mohammadi13@yahoo.com

** Email: Ebrahimi_shahrooz@yahoo.com

است و پس آن با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکا پاکستان را نزدیکترین متحد خود در منطقه دانسته و بنابراین از سخت‌گیری در مورد برنامه‌های هسته‌ای پاکستان اجتناب نموده است. بر اساس این مبحث اجمالی هدف مقاله حاضر بررسی روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا در چارچوب نظریه نواقع‌گرایی است. و در صدد است تا به این سوال پاسخ دهد که روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا چه فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است. و چه عواملی بر روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا تاثیر گذاشته است.

کلید واژه ها: پاکستان، آمریکا، انرژی هسته‌ای، روابط، جنگ سرد، امنیت هسته‌ای.

مقدمه

ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد، هدف داراز مدت خود را در جنوب آسیا، جلوگیری از تسلط یافتن یک قدرت متخاصم بر منطقه قرار داده بود. به منظور دستیابی به این هدف واشنگتن در عصر جنگ سرد پیمان‌های منطقه‌ای را برای مهار شوروی تشکیل داد. در جنوب آسیا، پاکستان نقش تعیین کننده‌ای را در این زمینه ایفا می‌نمود و از موقعیت خوبی برخوردار بود. بر این اساس ایالات متحده آمریکا، پاکستان را به عنوان متحد خود در منطقه انتخاب نمود تا از این طریق بتواند نفوذ اتحاد جماهیر شوروی را در جنوب آسیا مهار نماید. از سویی دیگر پاکستان به دلیل برنامه هسته‌ای خود، با آمریکا که از مخالفین برنامه هسته‌ای پاکستان بود، روابط خوبی داشته باشد. بنابراین روابط دو کشور تحت تاثیر تحولات بین‌المللی و موقعیت استراتژیک پاکستان در نوسان بوده است. مصداق بارز این قضیه دوران جنگ سرد و سپس شکل‌گیری حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که نقش پاکستان برای مبارزه علیه شوروی و تروریسم مورد توجه ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. همین مسئله باعث شد که توسعه تسلیحات هسته‌ای پاکستان با فشار کمتری مواجه شود. اما پس از گسترش افراط‌گرایی در پاکستان و تزلزل در نظام سیاسی این کشور خطری که مطرح گردید. خطر دستیابی گروه‌های تروریستی به تسلیحات هسته‌ای به عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه و حتی کل جهان مطرح گردید. با این وجود مقامات آمریکا نقش پاکستان و موقعیت این کشور را جهت رسیدن به اهداف خود همواره مدنظر

قرار می‌دهند و سعی آن‌ها بر این است که در جهت تثبیت اوضاع سیاسی این کشور تلاش نمایند، چرا که موقعیت پاکستان می‌تواند آمریکا را در زمینه دستیابی به اهداف خود در منطقه یاری نماید.

چارچوب نظری

از رهیافت نواقع‌گرایی می‌توان برای تبیین و تحلیل سیاست امنیتی پاکستان استفاده نمود. خواسته‌ها و انتظارات مهم نواقع‌گرایی تفسیر جدیدی از واقع‌گرایی است که والتز (Kenneth Waltz) مطرح می‌نماید که شاخصه‌های آن عبارتند از:

۱- بازگشت به توازن قوا در نظام بین‌الملل؛

۲- گرایش دولت‌ها به توازن یا قدرت بخشیدن به خودشان در صورت مواجه شدن با

تهدیدات نظامی و خارجی؛

۳- تمایل به تقلید از یکدیگر و جامعه‌پذیری در نظام سیاسی جهانی (لاوی، ۱۳۸۴: ۲۴)

در ادبیات روابط بین‌الملل توازن قوا یکی از قدیمی‌ترین مفاهیم می‌باشد. به همین خاطر برای تمامی گرایش‌ها واقع‌گرایی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنا به گفته استفان والت (Stephen Walt) و کنث والتز کشورها معمولاً در برابر تهدیدات خارجی جدی برای امنیت خود، توازن قوا ایجاد می‌کنند (Waltz, 1979: p.128) به تعبیری آنها برای تامین امنیت خویش به قدرت‌های بزرگ متوسل می‌شوند. کشورها به لحاظ داخلی با اتکا بر توانمندی‌های نظامی یا به لحاظ خارجی با تکیه بر توانمندی‌های نظامی متحدین توازن قوا ایجاد می‌کنند. به طور کلی، دولت مردان توازن داخلی را ترجیح می‌دهند زیرا فرصت کمتری به اراده دیگران می‌دهد.

از پنج دهه پیش مهمترین و بحث‌انگیزترین گزینه استراتژیک پاکستان، توسعه سلاح‌های هسته‌ای بوده است. بر همین اساس، پاکستان کوشش کرده به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد و روابط نزدیک خود با ایالات متحده آمریکا را که از موانع سرسخت رژیم منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است، حفظ کند. در این جا فاکتور تاثیرگذاری که پاکستان را در زمینه دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بسیار یاری نموده است، ساختار نظام بین‌الملل و

نقش استراتژیک این کشور بوده است که رفتار آمریکا را در این زمینه تعیین نموده است. در این راستا مقامات پاکستان هر گاه از وزنه استراتژیکی سنگین تری در عرصه بین‌المللی برخوردار بوده‌اند آن را در زمینه پیشبرد برنامه هسته‌ای خود به کار گرفته‌اند، که این موضوع در چارچوب نواقع‌گرایی قابل تبیین است، چرا که این رهیافت بر تاثیرگذاری ساختار نظام بین‌الملل بر رفتار بازیگران که همان کشورها هستند، تاکید اساسی دارد.

بر اساس این رهیافت پاکستان زمانی که متوجه شد، هند برنامه ساخت بمب‌های هسته‌ای خود را اندکی پس از آزمایشات هسته‌ای چین در اکتبر سال ۱۹۶۴ آغاز نموده است، شروع به توسعه سلاح‌های هسته‌ای نمود. اگر چه بسیاری از مقامات پاکستانی به پنهان نمودن علاقه هند به سلاح‌های هسته‌ای بلافاصله پس از استقلال مظنون بودند، اما زمانی که جواهر لعل نهرو، نخست وزیر هند، آشکارا از منافع قدرت هسته‌ای سخن گفت و به دنبال آن زمانی که هند پروژه آزمایشات هسته‌ای پنهانی خود را در اوایل سال ۱۹۶۵ آغاز نمود پاکستان در مورد برنامه هسته‌ای هند مطمئن شد (لاوی، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۴).

رهبران پاکستان در سال ۱۹۷۲ به دلیل هم پیمانی با ایالات متحده آمریکا توانستند گزینه ساخت سلاح‌های هسته‌ای را انتخاب کنند. در دوره‌های بعدی نیز پاکستان بر اساس همین رهیافت سیاست‌های هسته‌ای خود را دنبال نمود، طوری که هر زمان از موقعیت استراتژیک خوبی برخوردار بوده به دلیل کاهش فشار از طرف ایالات متحده آمریکا به گسترش فعالیت‌های هسته‌ای خود دست زده است و زمانی که از اهمیت نقش این کشور برای واشنگتن کاسته می‌شد، این فعالیت‌ها جنبه احتیاط آمیزی به خود گرفته است.

دوران جنگ سرد

روابط پاکستان و ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد به‌طور خاص پس از آغاز جنگ کره یعنی زمانی که ایالات متحده در صدد بود تا پیمان‌های منطقه‌ای برای مبارزه و مهار کمونیسم ایجاد نماید، برقرار شد (Sattar, 2007: p.41). این روابط برای پاکستان پرستیژ زیادی را به همراه آورد، در حالی که برای هند بخصوص نخست وزیر این کشور نهرو، که تحت نفوذ شوروی سیاست «عدم تعهد» (Nonalignment) را در

پیش گرفته بود هیچ امتیازی نداشت. عدم توازن نظامی و اقتصادی پاکستان دولت مردان این کشور را آگاه ساخت که برای جبران این عدم توازن درصدد اقداماتی برآیند. تنش‌های میان هند و پاکستان نشان داد که هیچ نشانه‌ای از کاهش اختلاف یا پیشرفت در زمینه حل مسئله «کشمیر» دیده نمی‌شود از این رو پاکستان مجبور شد برای کسب حمایت ایالات متحده آمریکا به سمت این کشور حرکت نماید (منصوری، ۱۳۸۵: ۶۳) از آنجایی که آمریکا نیز برای مهار نفوذ شوروی در منطقه به دنبال متحدی در جنوب آسیا بود، به طرف پاکستان متمایل شد.

پاکستانی‌ها زمانی به اهمیت موقعیت استراتژیک خود پی بردند که در مارس ۱۹۴۹ رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده، منطقه کراچی-لاهور را به عنوان پایگاهی برای عملیات‌های هوایی علیه اتحاد جماهیر شوروی و همین طور منطقه‌ای استراتژیک برای مبارزه نیروهای آمریکایی برای دفاع و بازپس‌گیری مناطق نفتی خاورمیانه با اهمیت خواند (Sattar, 2007: pp. 42-43) پاکستان نقطه‌ای بود که اتحادها را از لحاظ جغرافیایی به هم متصل می‌نمود. بنابراین محور اصلی در پیوند اتحادها، و همچنین ایجاد یک وزنه تعادل در مقابل هند تا سال ۱۹۵۷ به حساب می‌آمد. پاکستان از لحاظ جمعیتی و منابع دارای اهمیت است. همین مسئله پاکستان را به بزرگترین کشور بازدارنده در مقابل نفوذ کمونیسم تبدیل نموده بود (Bruke, 1994: p 265).

پیوستن به پیمان بغداد و سیتو (CEATO) سبب شد که پاکستان از آمریکا خواسته‌های زیادی را طلب نماید. در مقابل آمریکا نیز از پیشرفت پاکستان سود می‌برد. از این رو پاکستان به بزرگترین هم پیمان ایالات متحده آمریکا در آسیا تبدیل شد. نیکسون رئیس جمهور آمریکا به دلیل روابط دوستانه پاکستان و چین توانست با پکن از طریق دیپلماسی مخفی ارتباط برقرار نماید که این فعالیت‌ها با دیدار محرمانه «هنری کیسینجر» (Henry Alfred Kissinger) در جولای سال ۱۹۷۱ به اوج خود رسید در این شرایط برقراری روابط با چینی‌ها برای ایالات متحده بسیار حیاتی قلمداد می‌شد چرا که ایالات متحده سعی می‌نمود از این طریق از بحران ویتنام نجات یابد (Chauddhri, 1988: p. 75).

واگرایی در روابط آمریکا و پاکستان

برقراری روابط پاکستان و چین در اوایل دهه ۱۹۶۰ و تغییر اهداف ایالات متحده در ارتباط با هند در زمینه برقراری تعادل و توازن با قدرت در حال پیشرفت چین پس از جنگ چین و هند، باعث جدایی اسلام آباد از واشنگتن گردید. از این پس وزیر امور خارجه ایالات متحده، «دین راسک» (Din Rusk) اذعان نمود که ترس، بی‌اعتمادی و تنفر پاکستان از هند به این معنی است که آمریکا دیگر نمی‌تواند به پاکستان اعتماد کند، چون ما فکر می‌کنیم پاکستان پس از این فعالیت‌ها به منافع خود فکر می‌کند (Rusk, 1961: pp.575-77).

لغو کمک‌های نظامی به پاکستان پس از جنگ این کشور با هند در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ به عنوان وارد ساختن ضربه‌ای بر اعتماد پاکستانی‌ها نسبت به آمریکا در نظر گرفته شد. چرا که همان پاکستانی که به عنوان تنها کشوری بود که برای مدت یک دهه صرفاً از ایالات متحده تجهیزات نظامی وارد می‌نمود. و تاسیسات دفاعی‌اش به تسلیحات آمریکایی عادت نموده بود، قطع یکباره این کمک‌ها به پاکستان این تصور را در میان پاکستانی‌ها ایجاد نمود که ایالات متحده برای پاکستان شریکی قابل اعتماد و قابل اتکا به حساب نمی‌آید (نظیف‌کار، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

در طول دهه ۱۹۸۰ مبارزه علیه اشغال افغانستان توسط شوروی، فرصت جدیدی را فراهم نمود که دو کشور پاکستان و ایالات متحده برای بار دیگر به بهانه مبارزه با کمونیسم به هم پیوندند، طوری که در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ همکاری‌های دو کشور بسیار گسترش یافت و پاکستان به کشور خط مقدم مبارزه علیه شوروی برای مهار و کنترل گسترش طلبی این کشور تبدیل شد. به همین منظور در طی مدت شش سال به میزان ۱/۶۲۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی و ۱/۵ میلیارد دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت نمود و در این مرحله اسلام آباد از اصلاحیه‌های «سمینگتون» و «گلن» که کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان را به حال تعلیق در آورده بودند، رهایی یافت (بوروک، ۱۳۷۷: ۴۹۲-۴۷۴).

همچنین پاکستان با نقشی که در مهار نفوذ اتحاد جماهیر شوروی ایفا نمود توانست از تحریم‌های صورت گرفته تحت لوای اصلاحیه «پرسلر» رهایی یابد. «این اصلاحیه بیشتر کمک های اقتصادی به پاکستان را متوقف نموده بود و عرضه تجهیزات نظامی از قبل سفارش شده توسط پاکستان از قبیل هواپیماهای جنگنده اف ۱۶ را به حالت تعلیق در آورده بود.» اگر چه ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ تحریم‌هایی را علیه پاکستان اعمال نمود، و مقامات واشنگتن و وزارت دفاع و آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در تلاش بودند که پاکستان را از توسعه تسلیحات هسته‌ای خود باز دارند. اما آن‌ها سعی می‌نمودند که روابط نظامی محدودی را با هم‌تایان خود در پاکستان حفظ نمایند. این روابط تاحدی به این دلیل بود که موقعیت پاکستان برای انجام عملیات‌های نظامی آمریکا حیاتی قلمداد می‌شد و این که آمریکاییان می‌خواستند نفوذ بلند مدتشان را بر نظامیان پاکستانی حفظ نمایند (Kronstadt, 2009: p25).

با خارج شدن نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ اهمیت استراتژیک پاکستان برای واشنگتن روبه تنزل نهاد. در این راستا سیاست آمریکا این گونه اتخاذ شد که با هر کشوری که بهتر بتواند منافع ایالات متحده را حفظ نماید، رابطه برقرار نمایند. در طی این مرحله هند با متمرکز نمودن سیاست خود بر کنترل گسترش تسلیحات کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب موشک و حفظ ثبات منطقه‌ای در جنوب آسیا گزینه مورد نظر واشنگتن بود. چرا که سیاست‌های هند مطابق اهداف آمریکا در منطقه پیش می‌رفت. از این رو واشنگتن در صدد گسترش روابط با هند بر آمد. تحریم‌های ایالات متحده علیه پاکستان این احساس را در میان مردم پاکستان تقویت نمود که ایالات متحده برای بار دیگر از پاکستان بهره‌برداری نموده و زمانی که دیگر به این کشور نیازی نداشته آن را به حال خود رها نموده است. هر زمان نقش استراتژیک پاکستان برای برآورده ساختن خواسته‌های ایالات متحده الزامی بود همه مسائل چالش برانگیز بین دو کشور بخصوص برنامه گسترش تسلیحات هسته‌ای پاکستان نادیده گرفته می‌شد و زمانی که خواسته‌های واشنگتن برآورده می‌شد و دیگر حضور پاکستان ضرورتی نداشت، مسئله گسترش تسلیحات هسته‌ای این کشور توسط آمریکا به چالش کشیده می‌شد (Bhuutto, 1967: p.68).

از این گذشته در این مرحله واشنگتن با تهدید پاکستان به قرار دادن این کشور در لیست کشورهای حامی تروریسم تحریم‌های بیشتری را تحت عنوان «رژیم کنترل تکنولوژی موشک» بر پاکستان تحمیل نمود چرا که ادعا می‌شد این کشور تکنولوژی موشکی را از چین وارد نموده است. در طی این مرحله وضعیت پاکستان از متحدی مهم به متحدی تحریم شده برای ایالات متحده تغییر وضعیت داد. به دنبال توقف در توسعه اقتصادی-اجتماعی اسلام آباد، منافع امنیتی پاکستان به شدت دچار آسیب گردید. و همین مسئله بر موازنه قوا در منطقه جنوب آسیا تاثیر بسزایی بر جای گذاشت. هر دو کشور پاکستان و ایالات متحده به کاهش اختلافشان در زمینه کنترل منازعه کشمیر با هند تمایلی از خود نشان نمی‌دادند و از طرف دیگر اختلاف نظر بر سر برنامه تسلیحات هسته‌ای پاکستان و اصطکاک متقابل دو طرف در این زمینه روابط بین دو کشور را تیره نمود.

یکی از اهداف اصلی ایالات متحده در طی دوران ریاست جمهوری بوش پدر در رابطه با جنوب آسیا جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی بود. اما به دلیل ملاحظات استراتژیکی بوش پدر در وهله اول توسعه سری تسلیحات هسته‌ای پاکستان را نادیده گرفت. در مه سال ۱۹۸۹ رئیس سازمان سیا (CIA)، «ویلیام اچ، وبستر» (William H. Webster) هشدار داد که مدارکی در دست است دال بر این که هند در صدد به دست آوردن انرژی هسته‌ای است که این مسئله پاکستان را بطور بالقوه در زمینه توسعه تسلیحات هسته‌ای درگیر می‌نماید و باعث گسترش مسابقه تسلیحاتی در جنوب آسیا می‌گردد و این موضوع منافی سیاست بوش در زمینه عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای در جنوب آسیا می‌باشد. به دنبال این جریان بوش پدر از بوتو نخست وزیر پاکستان در خواست نمود که پاکستان برنامه هسته‌ای خود را متوقف نماید. اما از آنجایی که کنترل برنامه هسته‌ای پاکستان در دست نظامیان این کشور بود لذا هرگز از تعهد بوتو حمایت نکردند. این جا بود که تلاش‌های دولت بوش پدر در زمینه منصرف نمودن پاکستان از برنامه توسعه سری تسلیحات اتمی این کشور شکست خورد. تحت این شرایط رژیم کمونیستی افغان نیز سرانجام منقرض شد و ایالات متحده احساس می‌کرد که دیگر نیازی به حضور پاکستان ندارد و دیگر این که نمی‌توانست توسعه تسلیحات هسته‌ای پاکستان را تحمل نماید (Chou, 2003: pp.30-31).

بوش پدر در ماه اکتبر سال ۱۹۹۰ ناتوانی خود را در زمینه تایید عدم دسترسی پاکستان به تسلیحات هسته‌ای به اطلاع کنگره آمریکا رساند. با این گزارش کنگره کمک-های اقتصادی و نظامی به پاکستان را تحت عنوان اصلاحیه پرسلر به حال تعلیق در آورد و کاخ سفید حتی در این زمینه سعی نکرد کنگره را از این اقدام باز دارد.

قطع همکاری‌های اقتصادی آمریکا باعث فلج شدن اقتصاد پاکستان گردید و تعلیق کمک‌های نظامی نیز به این معنی بود که پاکستان نمی‌توانست به هواپیماهای جنگنده اف ۱۶ دست یابد. تحریم‌های اعمال شده بر پاکستان حتی قدرت بازدارندگی نیروهای کلاسیک این کشور را در مقابل هند کاهش داد و این عمل باعث افزایش ناامنی پاکستانی‌ها گردید که آن‌ها را به سمت توسعه تسلیحات هسته‌ای سوق داد (Kamal, 1992: pp.378-79).

ایالات متحده آمریکا: سیاست مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای

دولت کلینتون سعی نمود از گسترش تسلیحات کشتار جمعی در جنوب آسیا جلوگیری نماید. در دسامبر ۱۹۹۵ کلینتون اطلاعاتی را دریافت نمود مبنی بر این که هند برای انجام یک آزمایش هسته‌ای اعلام آمادگی نموده است. مقامات آمریکایی بطور محرمانه به هند هشدار دادند که از انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای خودداری نماید. و برای تضمین این هشدار تهدید نمودند در صورت انجام هرگونه آزمایش، کمک‌های اقتصادی آمریکا به هند متوقف می‌گردد. اما به نظر می‌آید که این اقدام آمریکا بیشتر یک هشدار سیاسی کذب بوده باشد چرا که هند در این سال هیچ آزمایش هسته‌ای را به انجام نرسانید (Chou, 2003: p.44). اما در ۱۱ مه ۱۹۹۸ هند با اقدام به آزمایش علنی تسلیحات هسته‌ای، مقامات واشنگتن را غافلگیر نمود و برای توجیه این قضیه تهدید چین را بهانه خود قرار داد. واشنگتن شدیداً این آزمایش را محکوم نمود و اقدامات بی‌ثمری را در زمینه منصرف نمودن پاکستان از دنباله روی هند صورت داد. واشنگتن فوراً تحریم‌های نظامی و اقتصادی را علیه هند و پاکستان بکار گرفت.

همچنین کلینتون با تحت فشار قراردادن شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای را علیه هند و پاکستان به تصویب اعضای این شورا رساند که این قطعنامه آزمایشات هسته‌ای دو

کشور مذکور را محکوم می‌نمود. ایالات متحده از دو کشور خواست که از انجام آزمایشات بیشتر هسته‌ای خودداری نمایند و فوراً معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را امضا نمایند. آزمایشات هسته‌ای پاکستان چنان روابط اسلام آباد- واشنگتن را ملتهب نمود که بیل کلینتون برنامه بازدید خود از منطقه جنوب آسیا را به تعویق انداخت (Momani, 2004: p. 45).

واشنگتن در ادامه سعی نمود دو کشور هند و پاکستان را متقاعد نماید که «پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی» (NPT) و «پیمان منع جامع آزمایشات اتمی» (CTBT) را بپذیرند. اما پاکستان به بهانه عدم پذیرش هند، و هند به بهانه تهدید تسلیحات اتمی چین برای این کشور از پذیرش این معاهدات خودداری نمودند (Blood, 2002: p. 12).

از آنجایی که تحریم‌ها نتوانست تغییری در سیاست هسته‌ای دو کشور هند و پاکستان ایجاد نماید و به دنبال آن نفوذ آمریکا بر این دو کشور کاهش یافت، دولت کلینتون مجبور شد از موضع خود عقب نشینی نماید. در ۱۵ جولای ۱۹۹۸ کنگره آمریکا یک مصوبه کمکی موسوم به «پیمان تسکین» (Relief Act) رابه تصویب رساند که با نام «اصلاحیه براون بک» (Brown back) شناخته شده بود که طبق این مصوبه تحریم‌های اعمال شده بر دو کشور هند و پاکستان محدود می‌شد.

در اکتبر سال ۱۹۹۸ کنگره آمریکا دومین مصوبه را تحت عنوان «براون بک ۲» به تصویب رسانید که به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد برای زمان نامحدودی اصلاحیه پرسلر را به تعلیق در آورد. در ۱۶ نوامبر دولت کلینتون بخشی از تحریم‌ها را لغو نمود و با این اقدام سیاست عدم گسترش هسته‌ای او از حیز انتفاع ساقط شد.

بطور کلی ایالات متحده در طول سال‌های دهه ۱۹۹۰ تحریم‌هایی را علیه پاکستان اعمال نموده بود که بخش عمده آن شامل قطع کمک‌ها و همکاری‌های نظامی به این کشور می‌شد. این فاصله ده ساله بین دو کشور سبب گردید که افسران جوان پاکستان فرصت آموزش در ایالات متحده را به دست نیاورند. در مقابل اوج‌گیری احساسات دینی در پی قدرت گرفتن طالبان در افغانستان این جوانان را نیز جذب خود نمود. در چنین شرایطی پاکستان به بمب هسته‌ای دست یافت. اتمی شدن یک کشور مسلمان که علت

وجودی آن مسلمانی ملت بود و نخستین کشوری بود که نام جمهوری اسلامی بر خود نهاده بود زنگ خطری را برای جهان غرب به صدا در آورد. اما این خطر تا واقعه ۱۱ سپتامبر چندان مورد توجه قرار نگرفت. از این پس بود که مقامات غربی بویژه ایالات متحده آمریکا به خطر بالقوه امکان دستیابی اسلام گرایان افراطی به سلاح‌های هسته‌ای تمرکز بیشتری نشان دادند (بشری، ۱۳۸۷: ۲۶).

۱۱ سپتامبر و روابط هسته‌ای پاکستان و آمریکا

حملات ۱۱ سپتامبر به طرز پیش‌بینی ناپذیری کانون استراتژی جهانی ایالات متحده را تغییر داد، چرا که اولویت استراتژیک ایالات متحده از نگرانی در مورد تهدید چین به جنگ گسترده علیه تروریسم بین‌المللی تغییر وضعیت داد. به روشنی پاکستان بومه آزمایش مبارزه ایالات متحده در مبارزه با القاعده و رژیم طالبان قرار گرفت و این مسئله به اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک پاکستان بر می‌گردد. از این رو حوادث ۱۱ سپتامبر فرصت دیگری را فراهم نمود که دو کشور پاکستان و ایالات متحده پیوند مجددی را برقرار نمایند (Musharraf, 2006: p.13).

جرج بوش پسر پس از واقعه ۱۱ سپتامبر با اعلام اینکه هر که با ما نیست علیه ماست مقامات پاکستانی را بر سر دو راهی بسیار دشواری از نظر تصمیم‌گیری قرار داد. پاکستان وجود طالبان را در افغانستان مفید و حتی ضروری می‌دانست و از طرف دیگر مقابله با تصمیم آمریکا برای سرکوب طالبان می‌توانست عواقب سختی را برای این کشور از جمله در مورد تسلیحات و تاسیسات هسته‌ای در پی داشته باشد (بشری، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۶).

با وجود آنکه پیشنهاد هند مبنی بر حمایت از جنگ ایالات متحده علیه تروریسم قطعی و بی‌چون و چرا بود. این کشور نمی‌توانست نقشی را که پاکستان به خاطر برخورداری از موقعیت استراتژیک ایفا می‌نمود را برای آمریکا انجام دهد. این موقعیت همان داشتن یک مرز طولانی به مسافت دوهزار و پانصد کیلومتر با افغانستان و برخوردار بودن از روابط دیرینه و نزدیک با رژیم طالبان بود. مشرف تصمیم گرفت که به خواسته‌های وزیر امور خارجه وقت آمریکا، کالین پاول جواب مثبت دهد (Amir, 2001: p.15).

در طی این مرحله ژنرال مشرف خواست بوش برای همکاری در زمینه حمله به افغانستان را اجابت نمود و بوش نیز متقابلاً خطر هسته‌ای پاکستان را به حاشیه راند و تحریم‌ها را از این کشور بر گرفت.

تصمیم پاکستان به طرفداری از آمریکا با هدف تعقیب چهار خواسته کلیدی برای پاکستان صورت گرفت:

(۱) محافظت از موشک‌ها و تسلیحات اتمی پاکستان؛

(۲) رشد اقتصادی پاکستان؛

(۳) افزایش امنیت کشور؛

(۴) حل بحران کشمیر (Musharaf, 2001: p.10).

به هر حال امید داشتن به ثبات یافتن اوضاع سیاسی آینده افغانستان و حل مسالمت آمیز مسئله کشمیر از طریق جنگ آمریکا علیه تروریسم به صورت خیالی خام باقی ماند. هم‌کاری پاکستان با ایالات متحده آمریکا در زمینه‌های تامین تدارکات و تسهیلات و تقسیم اطلاعات، دستگیری و تحویل اعضاء مظنون القاعده و مسدود نمودن مرز غربی پاکستان و دسترسی نیروهای آمریکایی به حریم هوایی پاکستان شکل گرفت. در مقابل ایالات متحده معادل یک میلیارد دلار کمک اقتصادی را به پاکستان اختصاص داد و همین‌طور یک میلیارد دلار از بدهی‌های این کشور را بخشید (Kronstadt, 2009: p.7).

با وجود آن که طی این دوره در نوامبر ۲۰۰۲ کالین پاول علناً هشدار داد در صورتی که ایالات متحده به مدارکی دال بر ادامه انتقال مخفیانه تسلیحات هسته‌ای به کره شمالی از طرف پاکستان دست یابد. اقدامات تنبیهی سختی را علیه پاکستان به کار خواهد گرفت. اما دولت بوش پسر با نگرانی از بی‌ثبات شدن پاکستان و تضعیف حکومت این کشور نسبت به بکارگیری اقدامات تنبیهی مخالف بود. به هر حال پس از ماه‌ها مذاکره و دیدار جانشین مشاور امنیت ملی بوش، استفان هدلی، از اسلام آباد دولت بوش تصمیم گرفت در اوایل سال ۲۰۰۳ تحریم‌های محدودی را علیه پاکستان به کار گیرد. واشنگتن از طریق این اقدام علناً نقش پاکستان را در زمینه تامین تکنولوژی برای توسعه مخفیانه برنامه هسته‌ای کره شمالی به رسمیت شناخت (Evans, 2002: p.160).

پدیده تروریسم و تسلیحات هسته‌ای پاکستان

افزایش تنش میان گروه‌های سیاسی پاکستان با دولت این کشور، ادامه بحران در ایالات سرحد و درگیری مداوم ارتش با ستیزه جویان افراطی، ناکامی نیروهای آمریکایی در ریشه کن نمودن القاعده از افغانستان و در مقابل گسترش نفوذ این تشکیلات در جنوب افغانستان و ایالات شمالی پاکستان، برخی از تحلیل‌گران و سیاست‌مداران غربی را نسبت به امنیت هسته‌ای پاکستان بیمناک نموده است. تضعیف کنترل دولت مرکزی بر رویدادهای کشور و تبدیل آن به دولتی ورشکسته این احتمال را به وجود می‌آورد که کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دست عناصر افراطی بویژه ایادی القاعده بیفتد که در آن صورت نه تنها هند، بلکه تمامی منطقه و همین‌طور آمریکا و غرب با خطر بالقوه بکارگیری این سلاح‌ها مواجه خواهند شد (بشری، ۱۳۸۷: ۱۸).

هم‌کاری پاکستان با آمریکا در مبارزه با القاعده و طالبان در دوره حاضر نیز افزایش یافته است اگر چه این افزایش همکاری به موازات افزایش همکاری آمریکا با هند بویژه همکاری‌های هسته‌ای با آن کشور بوده است (شفیعی و ماندنی، ۱۳۹۰: ۱۳۴) و هند برای آمریکا در دوره اوباما در مرتبه اول و پاکستان در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد. در طول دو سال اخیر نظامیان پاکستان دست به عملیات‌هایی علیه مواضع ستیزه جویان در سوات، وزیرستان جنوبی و باجور زده‌اند. این مناطق اکثراً جزء نواحی صعب‌العبوراند که دولت پاکستان در تحکیم حاکمیت خود در آنها دچار مشکل است و به همین دلیل هرگونه موفقیتی در این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (جوادی ارجمند، ۱۳۸۷: ۵۴).

از دیگر سو پاکستانی‌ها همکاری‌های اطلاعاتی خود با ایالات متحده را گسترش داده‌اند که یکی از نتایج آن بازداشت معاون رهبر طالبان افغانستان ملا عبدالغنی بوده است. اوباما در نخستین مهمانی ناهار دولتی خود به طور معناداری مانموهان سینگ نخست‌وزیر هند را دعوت کرد تا نشان دهد که پاکستان انتخاب اول او نیست. اوباما همچنین روشن ساخت که آمریکا گسترش روابط با هند را که همکاری‌های گسترده در زمینه هسته‌ای را در بر می‌گیرد ادامه خواهد داد. اما در همان زمان کاخ سفید تاکید کرد که خواهان روابطی عمیق، سازنده و درازمدت با پاکستان است و کمک به ارتش این کشور را نیز

گسترش خواهد داد. پاکستان در سال گذشته بیش از بیست و پنج دیدار با مقامات آمریکایی داشته که در جریان آنها از ارتش پاکستان خواسته شده است به مقابله با ستیزه جویان بپردازد. طالبان افغانی، گروه حقانی، گلبدین حکمتیار، لشکر طیبه و تعداد زیادی گروه‌های کوچکتر هنوز در پاکستان وجود دارند و حتی از نوعی مصونیت بهره‌مندند اما با در نظر گرفتن همه این مسائل ارتش پاکستان بیش از گذشته مشغول مقابله با ستیزه جویان است که این در دنیای سیاست خارجی یک موفقیت تلقی می‌شود. (کوزه گرکالجی، ۱۳۸۸: ۸۰). بنابراین پاکستان مبنای استراتژی خود را تغییر داده و اکنون دریافته است که باید از هر جهتی پیوندهای خود را با این گروه‌ها بگسلد. این نگاه اکنون به طرزی غریب توسط ارتش ایالات متحده مد نظر قرار گرفته است و ژنرال‌های رده بالا ساعات بسیاری را با هم‌تابان بومی خود در پاکستان صرف می‌کنند. این امر موفقیتی برای اوپاما و تیم اوست که به یاد ژنرال‌ها بیاورند که مسئله پاکستان به مقدار زیادی مانند دویدن روی «دستگاه دو» است. اگر تو توقف کنی به عقب خواهی رفت و به احتمالاً زیاد به زمین خواهی خورد.

ایالات متحده از زمان برملا شدن فعالیت‌های شبکه عبدالقدیرخان در زمینه فروش اطلاعات و فناوری هسته‌ای به کشورهای دیگر با چالشی هم‌سنگ با مبارزه با تروریسم مواجه شده است که بخش مهمی از آن نیز در پاکستان جریان دارد. اگرچه نگرانی‌های آمریکا در مورد پاکستان از زمان آزمایش‌های هسته‌ای این کشور وجود داشته است. روزنامه نیویورک تایمز در شماره مورخ ۱۷ نوامبر ۲۰۰۷ در گزارشی در خصوص کمک‌های دولت بوش به پاکستان در زمینه تامین امنیت تاسیسات و تسلیحات هسته‌ای این کشور نوشت: «در سال گذشته دولت بوش بیش از صد میلیون دلار برای این منظور هزینه کرده است. ایالات متحده از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون تقریباً ده میلیارد دلار به پاکستان کمک نموده است که بیشتر این کمک‌ها در زمینه مسائل امنیتی تاسیسات هسته‌ای پاکستان به مصرف رسیده است» (Stolar, 2007: p.10).

اگر اقدامات آمریکا و هم‌پیمانان آن کشور در افغانستان منجر به سرکوب‌نهایی اسلام‌گرایی افراطی در افغانستان و همچنین پاکستان می‌شد، شاید احساس خطر از

تسلیحات هسته‌ای پاکستان برای غرب به حداقل می‌رسید. ولی ناکامی ائتلاف غرب در نبرد علیه تروریسم در افغانستان و شدت گرفتن فعالیت افراطیون مذهبی در پاکستان بویژه در منطقه وزیرستان، نگرانی‌ها در این خصوص را به اوج خود رسانده است. به گونه‌ای که اخیراً مقامات ایالات متحده و ناتو اظهار تمایل کرده‌اند رأساً در ایالات شمالی پاکستان بویژه در مناطق قبیله‌ای این کشور وارد عمل شده و افراطیون مذهبی در این مناطق را سرکوب کرده و احیاناً ریشه‌های طالبان و القاعده را در آنجا از بین ببرند. «ویلیام آرکین» (William Arkin) در مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست مورخ ۲۶ دسامبر ۲۰۰۷ تحت عنوان «سربازان آمریکایی راهی پاکستان می‌شوند» به این نکته پرداخته است که انتظار می‌رود نیروهای ویژه آمریکا حضور خود را در پاکستان به گونه‌ای وسیع‌تر گسترش دهند. این گسترش بخشی از تلاش به منظور آموزش و حمایت از نیروهای ضدشورشی بومی و یگان‌های مخفی ضدتروریسم است. وی در عین حال خاطرنشان ساخت که بر اساس اظهارات منابعی از پنتاگون، رسیدن به توافقی تازه با پاکستان در اولویت فرمانده جدید فرماندهی عملیات ویژه آمریکا دریا سالار اریک تی السون قرار گرفته است. بر اساس این توافق بود که نخستین پرسنل آمریکایی در اوایل سال ۲۰۰۸ میلادی در پاکستان مستقر شدند (Arkin, 2007: p. 20).

در ۱۲ آوریل ۲۰۱۰ که نشست هسته‌ای در واشنگتن تحت عنوان «تروریسم هسته‌ای» برگزار شد به نظر می‌رسد که اوپاما به دنبال نزدیکی مواضع هسته‌ای هند و پاکستان بوده است. دیوید ایگناتیوس مفسر روزنامه واشنگتن پست در همین زمینه می‌نویسد که اوپاما اخیراً گام‌هایی برای در دستور کار قرار دادن علائق امنیتی پاکستان برداشته است و آن پذیرش ضمنی جایگاه پاکستان به عنوان یک دولت دارنده تسلیحات هسته‌ای می‌باشد و آن در واقع، تئوریهای توطئه را که مبنی بر آن آمریکا به دنبال برنامه‌های سری برای محاصره تأسیسات هسته‌ای پاکستان است به چالش می‌کشد. یعنی آنچه که در زمان دوره جرج بوش پسر زمزمه‌های آن شنیده می‌شد. در واقع این گام در جهت کاستن از نگرانی‌های پاکستان در خصوص تلاش احتمالی آمریکا برای به تضعیف برنامه‌های هسته‌ای پاکستان است. از طرف دیگر میزبانی نشست هسته‌ای بین هند و اسلام‌آباد در واشنگتن در

۱۲ آوریل ۲۰۱۰ منعکس کننده این اعتقاد آمریکا ست که بهبود روابط هند و پاکستان به نفع جنگ بر ضد تروریسم است. با این اعتقاد بود که پس از بمب گذاری اخیر در بمبئی که مقامات هند آن را به پاکستان نسبت دادند دیپلماسی آمریکا برای جلوگیری از افزایش تنش بین هند و پاکستان به تحرک در آمد (Kronstadt, 2010: p 40).

نتیجه

در دوران جنگ سرد به علت رقابت غرب و شرق در راس آنها ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، باعث شد که برنامه هسته ای پاکستان توسط واشنگتن نادیده گرفته شود. اما با کاهش اهمیت استراتژیک پاکستان پس از فروپاشی شوروی، واشنگتن نتوانست توسعه مخفیانه تسلیحات هسته ای پاکستان را تحمل نماید. از این رو تحریم هایی را بر این کشور اعمال نمود. و به دنبال آن کلیتون رئیس جمهوری ایالات متحده سیاست یک جانبه ای را در رابطه با هند اتخاذ نمود و هند را به عنوان شریکی با اهمیت تر در زمینه های استراتژیک، تجاری و سیاسی مورد توجه خود قرار داد. پس از اقدام هند به انجام آزمایشات هسته ای در سال ۱۹۹۸ برای پاکستان این ضرورت ایجاد شد که برای ایجاد بازدارندگی و توازن قوای در مقابل هند که دارنده سلاح هسته ای بود، برنامه ساخت تسلیحات هسته ای خود را توسعه دهد.

در دوره ریاست جمهوری بوش پسر در ابتدا سیاست آمریکا بر همکاری با هند متمرکز شده بود و هند به عنوان نقطه مقابل چین در نظر گرفته می شد. اما حوادث ۱۱ سپتامبر به طرز شگفت آوری اهمیت استراتژیک پاکستان را برای ایالات متحده آمریکا احیا نمود و از این طریق مسئله تسلیحات هسته ای این کشور با فشار کمتری روبه رو گردید. پس از این که عملیات های ضد تروریستی بازسازی افغانستان به صورت نیمه تمام باقی ماند، ایالات متحده همکاری با پاکستان را به دلیل برخورداری از موقعیت استراتژیک جهت مبارزه با تروریسم با اهمیت دانست. همین مسئله باعث شد که پاکستان برنامه توسعه تسلیحات هسته ای خود را روان تر پی گیری نماید.

این که در اوایل سده بیست و یکم پاکستان نقش کشور خط مقدم را در مبارزه علیه تروریسم ایفا کرده و در رابطه با تسلیحات هسته‌ای خود با چالش کمتری مواجه بوده است، دلیلش همان نقش استراتژیکی است که این کشور در زمینه مبارزه علیه تروریسم ایفا می‌کند. البته اخیراً هند توانسته است. موقعیت خود را به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه توسعه دهد. چرا که آمریکا هند را به عنوان نقطه تعادل مقابل چین در نظر می‌گیرد. همین مسئله و سوطن‌هایی که راجع به برنامه هسته‌ای پاکستان وجود دارد، جایگاه پاکستان را در سیاست گذاری خارجی آمریکا تنزل داده است.

در پایان باید گفت که برنامه هسته‌ای پاکستان از ابتدای شکل‌گیری با قرار گرفتن تحت شرایط گوناگون ساختاری حاکم بر نظام بین‌الملل و موقعیت استراتژیکی را که پاکستان از آن بهره‌مند بوده است، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذارده طوری که نقش استراتژیکی را که پاکستان در زمینه دست‌یابی آمریکا به اهدافش ایفا نموده است. بیشتر اوقات رفتار آمریکا را در رابطه با برنامه هسته‌ای اسلام‌آباد تحت الشعاع خود قرار داده است.

منابع

- ۱- بشری، اسماعیل (۱۳۸۷) **امنیت هسته‌ای پاکستان: چالش در حال تشدید**. فصلنامه راهبرد، سال شانزدهم، شماره ۴۸.
- ۲- بورک، س. موزایرینگ، لارنس (۱۳۷۷) **تاریخ روابط خارجی پاکستان**، ترجمه: ایرج وفایی، تهران: انتشارات کویر.
- ۳- جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۸۷) **تحرك های طالبان و تاثیر آن در روابط پاکستان**، افغانستان و آمریکا، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳.
- ۴- شفیعی، نوذر و ماندنی، زهرا (۱۳۹۰) **پیمان هسته‌ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها**، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۳.
- ۵- کوزه گرکالچی، ولی (۱۳۸۸) **تاملی بر تحولات سیاسی و امنیتی پاکستان**، نشریه گزارش، سال نوزدهم، شماره ۲۱۴.
- ۶- لاوی، پیتر (۱۳۸۴) **فرهنگ استراتژیک پاکستان: یک چشم انداز نظری**، ترجمه عسگر قهرمان پور، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره دهم.
- ۷- منصورى، جواد (۱۳۸۵) **آمریکا و خاورمیانه**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۸- نظیف‌کار، غزاله (۱۳۸۲) **برآورد استراتژیک پاکستان**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- 9- Amir, Ayaz (2001), **a Passion for Selling Ourself Cheaply**, Available at: <http://66.201.122.226/weekly/ayaz/20010921.htm>.
- 10- Arkin, William. M (2007), **U.S. Troops to Head to Pakistan**, Was hington post (December 26).
- 11- Bhutto, Zolfiqar Ali (1967), **The Myth of Independence**, Oxford University press, Available at: www.amazon.com.

12- Blood, Peter (2002), **Pakistan-U.S Relation**, Congressional Research Service.CRS.Issue Brief for Congress, Availabal at: <http://www.fas.org>

13- Burke, S.M (1994) **Pakistan's Foreign Policy**, Oxford University press, 2Edition Available at: www.amazon.com.

14-Chou, David (2003), **"U.S.policy towards India andPakistan in the Post Cold War"**Taipei: sheng-chin book.co.Ltd.

15- Kamal, Nazin (1992), **"Nuclear and Missile Proliferation Issue: Som Approaches to Stability in South Asia"**, Cotemporary Southeast Asia 13, no.4

16- Kronstadt, K.Alan (2009).**"Pakistan –U.S .Relation**, Congressional Research Service February 10 Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33498.pdf>

17- Kronstdt, K.Alan (2010), **Pakistan: Key Current Issue and Developments**, Congressional Research Service, Availabel at: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/R41307.pdf>

18- Momani, Bessma (2004), **"The IMF, the U.S.War on Terrorism, and Pakistan"**.AsianAffairs (NY).31.NO.1

19- Musharraf, Pervez (2001). **"Speech to the Nation"** .Avalableat: www.com/2008/WORLD/.../08/.../musharraf.../index.html

20- Musharraf, Pervez (2006). **"In The Lin of Fire"**, NewYorkSimon&Schuster

21- Rusk, Deen (1961).**"Foreign Relation of the United States"**, Notes by Rusk on South Asia Trip.VOL.19.

22- Sattar, Abdul (2007).**"Pakistan's Foreign Policy 1947-2005"** Karachi, Oxford University Press

23- Stolar, Alex (2007), **"Are Pakistan Bombs"** Available at: www.rediff.com

<http://thedawn.com.pk/2010/03/07obama-administration-accepts-pakistan-as-nuclear-state/>

24- Waltz, Kenneth (1979), **"The Theory of International Politics"**, New York: Random House